



Comparative Study of the Indicator Relative to the Support in the Sixth Plan, It's Progress and Evaluation in the Years During the Seventh Plan; Case Study of Social Security and National Pension

Reza Kiani^{1*} PhD

¹ Department of Population & Health, National Institute for Population Research, Tehran, Iran

*Correspondence to: Reza Kiani, Email: rezakiani@nipr.ac.ir

Received: December 20, 2024

Revised: February 27, 2025

Accepted: March 8, 2025

Online Published: March 17, 2025

Abstract

Introduction: Examining the situation of Iran's pension funds shows that these funds have faced important financial challenges in the last two decades and have somehow reached the unstable state of the pension system. This issue has seriously questioned the ability of the funds to meet their obligations for the benefit of the beneficiaries. One of the tools for measuring the balance of resources and expenses and the stability of pension funds is the support ratio. The purpose of this study is to investigate this ratio in pension funds.

Methods: The present study is a descriptive-analytical study through secondary analysis of organizational registration data. The data used were obtained from statistical and information sources of pension funds and the Statistics and Information Office of the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare.

Results: It is estimated that the support ratio in pension funds in the Social Security Organization will decrease from 5.45 in 2017 to 0.52 in 2028. This downward trend in the support ratio will also be observed in the national pension fund, that is, it will decrease from 0.95 in 2017 to 0.68 in 2028.

Conclusion: The results of this study show that the financial crisis of the funds under study will intensify during the Seventh Plan. This crisis is important in two aspects. First, the population will be covered by a high level of coverage, and second, the financial crisis in them will be transmitted to the government quickly and intensely.

Keywords: Support Ratio, Social Welfare, Pension Fund, Country Development Plan

Highlights

1. Compared to the Sixth Plan, the downward trend in the support ratio in the country's two main pension funds will continue in the coming years.
2. The financial crisis in pension funds is challenging the implementation of their obligations to retirees

Citation:

Kiani R. Comparative study of the indicator relative to the support in the sixth plan, it's progress and evaluation in the years during the seventh plan; case study of social security and national pension. Iran J Health Insur. 2025;7(4):237-44.



بررسی مقایسه‌ای شاخص نسبت پشتیبان در برنامه ششم پیشرفت و برآورد آن در خلال سال‌های برنامه هفتم؛ مورد مطالعه صندوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری

رضایانی^۱ PhD

^۱ گروه جمعیت و سلامت، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: رضا کیانی، پست الکترونیک: rezakiani@nipr.ac.ir

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تصحیح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

چکیده

مقدمه: بررسی وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران نشان می‌دهد که این صندوق‌ها طی دو دهه اخیر با چالش‌های مالی مهمی روبرو شده‌اند و به نوعی به وضعیت ناپایداری سیستم مستمری رسیده‌اند. این مسئله، توانایی صندوق‌ها را در تأمین تعهدات خود برای بهره‌مندی مشمولین با پرسش جدی مواجه کرده است. یکی از ابزارهای سنجش توازن منابع و مصارف و پایداری صندوق‌های بازنشستگی، نسبت پشتیبان است. هدف از این مطالعه، بررسی این نسبت در صندوق‌های بازنشستگی است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از طریق تحلیل ثانویه داده‌های ثبت سازمانی است. داده‌های مورد استفاده از منابع آماری و اطلاعاتی صندوق‌های بازنشستگی و دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی اخذ شده است.

یافته‌ها: برآورد شده است نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی در سازمان تأمین اجتماعی از ۵/۴۵ در سال ۱۳۹۵ به ۰/۵۲ در سال ۱۴۰۷ کاهش خواهد یافت. در صندوق بازنشستگی کشوری نیز این سیر نزولی در نسبت پشتیبان مشاهده خواهد شد؛ بدین صورت که از ۰/۹۵ در سال ۱۳۹۵ به ۰/۶۸ در سال ۱۴۰۷ کاهش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی نشان می‌دهد بحران مالی صندوق‌های مورد مطالعه در طی برنامه هفتم تشدید خواهد شد. این بحران از دو جنبه حائز اهمیت است: اول جمعیت تحت پوشش بالایی خواهد داشت و دوم بحران مالی در آنها به سرعت و شدت به دولت منتقل می‌شود.

واژگان کلیدی: نسبت پشتیبان، رفاه اجتماعی، صندوق بازنشستگی، برنامه پیشرفت کشور

نکات ویژه

- ۱- در مقایسه با برنامه ششم روند نزولی نسبت پشتیبان در دو صندوق بازنشستگی اصلی کشور در سالهای آتی ادامه دارد.
- ۲- بحران مالی در صندوق‌های بازنشستگی، اجرای تعهدات آنها را در قبال بازنشستگان با چالش روبرو می‌کند.

مقدمه

شاخص‌های آماری و عملکردی در صندوق‌های بازنشستگی، شاخص کارکرد دولت‌ها به حساب می‌آید. این صندوق‌ها جزئی از کل نظام رفاه و تأمین اجتماعی کشورها هستند و آسیب و بحران در آن پیامد عدم موفقیت دولت‌ها در رفع چالش‌ها و مشکلات کل نظام رفاهی شناخته می‌شود. تجارب تاریخی به ما نشان می‌دهد بحران‌های مالی در صندوق‌های بازنشستگی در جوامع بشری، فقر و نابرابری را افزایش می‌دهد، بازار کار را

امروزه صندوق‌های بازنشستگی نقش بسیار کلیدی در تأمین مخارج زندگی و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی بازنشستگان بر عهده دارند. در این صندوق‌ها افراد شاغل یا بیمه‌پرداز، با مشارکت در سیستم‌های بازنشستگی بخشی از حقوق خود را به صندوق‌ها منتقل می‌کنند تا در زمانی که قادر به انجام کار نیستند بتوانند مستمری بازنشستگی دریافت کنند. مطالعه در خصوص

تعداد بیمه پرداز تعدیل شده به تعداد تعدیل شده در پرونده مستمری (بر اساس حداقل دستمزد) است. اما آنچه بیشتر به عنوان ضریب یا نسبت پشتیبان در ارزیابی توازن منابع و مصارف صندوق-های بیمه و بازنشستگی ملاک عمل قرار دارد نسبت بیمه‌شدگان اصلی بر تعداد مستمری بگیران بر حسب پرونده است. طرح‌های تأمین اجتماعی که به تبعیت از اصول بیمه‌ای اجتماعی ایجاد می‌شوند، بسترهایی را فراهم می‌آورند تا افراد تحت پوشش در زمان ناتوانی به میزان مشارکت مزایای لازم را دریافت کنند. یکی از شاخص‌های که وضعیت جمعیت صندوق‌های بیمه‌ای را به خوبی به تصویر می‌کشد، شاخص پشتیبانی است [۵].

سازمان بازنشستگی در کتاب قوانین و مقررات بازنشستگی این مفهوم را این گونه تعریف کرده است: "بازنشستگی عبارت از حالتی است که کارمند رسمی دولت، با داشتن شرایط معین سنی و دارا شدن سنوات معینی از خدمت، طبق قانون و به موجب حکم مقام صلاحیت دار حالت اشتغال وی خاتمه یافته و مادام العمر مستحق دریافت حقوق بازنشستگی می‌گردد" [۶]. در صندوق تأمین اجتماعی نیز این اصطلاح تعریف دقیق و روشنی دارد که ملاک انجام فرایندها قرار می‌گیرد. بر این اساس، پایان دوران کاری هر فرد به مرحله ای می‌رسد که در اصطلاح به آن دوران بازنشستگی می‌گویند. پرداخت مستمری بازنشستگی و تأمین شرایطی زندگی مناسب برای بیمه‌شدگان به هنگام بازنشستگی، یکی از کارکردهای اصلی نظام بیمه‌های اجتماعی است که سازمان تأمین اجتماعی به عنوان محوری ترین بخش نظام بیمه‌های اجتماعی کشور، در قبال دریافت حق بیمه از افراد در دوران اشتغال آنان، مسئولیت پرداخت مستمری، تأمین و ارائه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان و خانواده‌های شان را در هنگام بازنشستگی بر عهده دارد. (بر اساس بند ۱۵ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی: "بازنشستگی عبارت است از عدم اشتغال بیمه‌شده به کار به سبب رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون" [۷،۸].

در یک شرح ساده می‌توان این گونه بیان داشت که هدف از تاسیس صندوق‌های بازنشستگی کمک به افراد تحت پوشش در قبال دریافت حق بیمه بازنشستگی است. توضیح دقیق‌تر اینکه این صندوق‌ها مکلف بوده‌اند که وجوه بازنشستگی را

با مخاطره و تلاطم روبه‌رو می‌سازد و به شدت بستر دشواری‌ها و معضلات امنیتی-اجتماعی در کشور را فراهم می‌آورد و یا دست کم، نارضایتی‌های صنفی و گروهی را ایجاد می‌کند (۱). در مقابل، دوام و قوام این صندوق‌ها، آرامش و رفاه را برای آحاد جامعه ارمغان می‌آورد. برای نیل به همین منظور، در اعلامیه جهانی حقوق بشر توجه ویژه‌ای به موضوعات بازنشستگی و نظام تأمین اجتماعی شده و آن را از حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها برشمرده است (۲). در کشور ایران نیز اهمیت وضعیت بیمه و بازنشستگی شهروندان موضوعی غامض و مستور نیست، دلیل این مدعا در اصول قانون اساسی کشور، قابل ارائه است. به طور نمونه، اصل بیست و نهم قانون اساسی ایران، بازنشستگی را به عنوان حق برای مردم و تکلیفی برای دولت‌ها در نظر گرفته است (۳). نکته قابل ذکر دیگر که توجه بدان بر اهمیت موضوع صحه می‌گذارد آن است که باید همواره به یاد داشته باشیم اقدامات تثبیت کننده در صندوقهای بازنشستگی، تأثیر مستقیمی بر بازار اشتغال دارد. آرامش امروز بازنشستگان، پیش روی شاغلین، به عنوان بازنشستگان فردا قرار دارد و هرگونه بحران در وضعیت رفاه و معیشت بازنشستگان، اولین اثر مخرب خود را بر بازار کار خواهد گذاشت؛ "چرا که کلیه افراد شاغل که از مزایای بیمه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند [کم و بیش] با بازنشستگی آشنا هستند و می‌دانند روزی بدان مرحله خواهند رسید". بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی، تا سال ۲۰۳۰ در بریتانیا به ازای هر پنج نفر شاغل، دو مستمری بگیر وجود دارد. این در حالیست که در سال ۱۹۹۰ در این کشور در ازای هر چهار شاغل یک نفر مستمری بگیر بوده است. وضع این شاخص در کشوری همچون آلمان از این هم وخیم‌تر و کاهش نسبت پشتیبان، آهنگ شدیدتری داشته است، به نحوی که تا سال ۲۰۳۰ نسبت شاغلین به بازنشستگان دو به یک خواهد بود، در حالیکه در سال ۱۹۹۰ این نسبت پنج به یک بوده است. در ایالات متحده آمریکا نیز شاخص نسبت پشتیبان به شدت کاهش داشته است (۴).

سه نوع نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی قابل محاسبه و بررسی است. نوع اول از نسبت تعداد بیمه‌شده بر تعداد پرونده مستمری حاصل می‌شود. نوع دوم نسبت بیمه پرداز به تعداد پرونده مستمری است و نوع سوم نسبت

پشتیبان اهمیت دوچندان می‌یابد. به سخن دیگر مطالعات نسبت پشتیبان توانایی یا عدم توانایی صندوق را در اجرای تعهدات خود آشکار می‌سازد.

نظر به آنچه گفته شد، مزیت این پژوهش، جنبه‌های کاربردی آن است و می‌تواند در مجامع علمی و سازمان‌های بازنشستگی، از جمله سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بازنشستگی کشوری و سایر سازمان‌ها مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد. اهمیت مطالعه حاضر همچنین به دلیل خلاء پژوهشی موجود در این حوزه قابل بیان است و پژوهشگر درصدد است با بهره‌گیری از منابع موجود و قابل استفاده، تحلیل و پیشنهادات کاربردی در خصوص چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی، از منظر نسبت پشتیبان ارائه داده و وضعیت آن را در صندوق‌های مورد مطالعه طی سال‌های برنامه ششم و هفتم توسعه کشور تشریح نماید.

روش بررسی

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از طریق تحلیل ثانویه داده‌های ثبت سازمانی است. داده‌های مورد استفاده از منابع آماری و اطلاعاتی صندوق‌های بازنشستگی و دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی اخذ شد. همچنین رویکرد این پژوهش بر مبنای فرمول نسبت پشتیبان است که به نحو زیر قابل محاسبه است:

Support Ratio: W (working age and insured people) / R (retirement)
که به شکل خلاصه می‌توان این رابطه را اینگونه محاسبه کرد:

$$S \cdot R = \frac{W}{R}$$

در این رابطه منظور از W و R عبارت است از:

جمعیت شاغل بیمه پرداز (W): در بررسی نسبت پشتیبان، جمعیت شاغلی مورد محاسبه قرار می‌گیرد که سابقه بیمه پردازی دارد. بر اساس تعاریف مصطلح، بیمه شده عبارت است از فردی که با پرداخت مبالغی به عنوان حق بیمه، حق استفاده از مزایای مندرج در قانون سازمان بیمه گر را دارد [۹].

مستمری‌بگیر (R): فردی است بازنشسته یا از کار افتاده و بازمانده که طبق مقررات صندوق بازنشستگی مستمری دریافت می‌دارد. بنابراین در محاسبات این شاخص، علاوه بر مستمری بگیران مجموع مستمری بگیران تبعی مد نظر قرار می‌گیرد.

در امور و بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری کرده و از محل عواید آن، حقوق بازنشستگی افراد تحت پوشش را پرداخت نمایند [۱]. صندوق‌های بازنشستگی جهت مدیریت هزینه‌های خود در دو سطح و چارچوب روشی عمل می‌کنند: روش اول به نام سیستم‌های اندوخته‌گذاری (Fully Funded) و روش دوم سیستم‌های غیر اندوخته‌گذاری (Pay-As-You-Go & PAYG) است. در سیستم اول، به ازای هر مشمول یک حساب جداگانه ایجاد شده و حق بیمه‌های دریافتی سرمایه‌گذاری می‌شود تا از محل درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، مستمری پرداختی به مشمول مورد نظر در دوران بازنشستگی تأمین مالی گردد. در سیستم‌های غیر اندوخته‌گذاری، مستمری پرداختی به مشمولین مستمری‌بگیر عمدتاً از محل درآمدهای حاصل از کسورات دریافتی از بیمه‌شدگان شاغل تأمین می‌شود. در اینجا یک ارتباط بین‌النسلی بین مشمولین صندوق به وجود می‌آید مبنی بر اینکه نسل آینده نیز در قبال مستمری پرداختی به نسل شاغل فعلی (بازنشستگان آینده) مسئولیت خواهد داشت [۹]. بنابراین کارکرد اصلی سیستم‌های مستمری انتقال منابع و در نتیجه مصرف در طول زمان است. نقطه‌ای اشتراک در هر دو سیستم ذکر شده، تعهدات صندوق به فرد است. بیمه شده‌ای که بخشی از درآمد خود را در زمان اشتغال به صندوق پرداخته تا در زمان عدم اشتغال از مزایای آن بهره‌برد، انتظار دارد در زمان بازنشستگی، صندوق بازنشستگی به تعهدات خود پای‌بند بوده، موجبات رفاه و معیشت وی را فراهم آورد. میزان مستمری پرداختی به مشمولین بازنشسته یا از کارافتاده بر مبنای مزایای تعریف شده (Contributions) یا مشارکت تعریف شده (Defined & Benefits) محاسبه می‌شود. در حالت اول مستمری پرداختی به صورت متوسط درآمدهای سال‌های پایانی دوران کاری (به طور مثال ۲ یا ۵ سال) خواهد بود. در حالت دوم مستمری به میزان حق بیمه‌ای که افراد پرداخت می‌کنند بستگی دارد. دو صندوق بیمه‌ای بزرگ در ایران، صندوق تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری، از نوع طرح‌های مستمری مبتنی بر مشاغل هستند که سیستم آنها DB-PAYG است. با توجه به این توضیحات سهم تعداد شاغلین فعلی در قیاس با مستمری بگیران فعلی در نظام بازنشستگی ایران و بررسی وضعیت نسبت

جدول شاخص مذکور در سازمان تأمین اجتماعی از ۵/۴۵ به ۰/۵۲ در سال ۱۴۰۷ کاهش یافته است. در صندوق بازنشستگی کشوری نیز این سیر نزولی مشاهده میشود، به نحوی که از ۰/۹۵ در سال ۱۳۹۵ به ۰/۶۸ در سال ۱۴۰۷ کاهش داشته است (جدول ۲).

بحث

جدول ۱ | شاخص نسبت پشتیبان در برنامه ششم پیشرفت و برآورد آن در خلال سال‌های برنامه هفتم در صندوق تأمین اجتماعی

سال	صندوق تأمین اجتماعی	Forecast	Lower Confidence Bound	Upper Confidence Bound
۱۳۹۵	۵/۴۵			
۱۳۹۶	۵/۱۵			
۱۳۹۷	۴/۸۳			
۱۳۹۸	۴/۶۱			
۱۳۹۹	۳/۵۲	۳/۵۲	۳/۵۲	۳/۵۲
۱۴۰۰	۳/۳۰۳۴۱	۲/۷۷	۳/۸۴	
۱۴۰۱	۲/۸۴۸۵۶	۲/۳۰	۳/۴۰	
۱۴۰۲	۲/۳۹۳۷۲	۱/۸۳	۲/۹۶	
۱۴۰۳	۱/۹۳۸۸۸	۱/۳۶	۲/۵۲	
۱۴۰۴	۱/۴۸۴۰۳	۰/۸۹	۲/۰۸	
۱۴۰۵	۱/۰۲۹۱۹	۰/۴۲	۱/۶۴	
۱۴۰۶	۰/۵۷۴۳۴	-۰/۰۵	۱/۲۰	
۱۴۰۷	۰/۱۱۹۵	-۰/۵۲	۰/۷۶	

جدول ۲ | شاخص نسبت پشتیبان در برنامه ششم پیشرفت و برآورد آن در خلال سال‌های برنامه هفتم در صندوق بازنشستگی کشوری

سال	صندوق تأمین اجتماعی	Forecast	Lower Confidence Bound	Upper Confidence Bound
۱۳۹۵	۰/۹۵			
۱۳۹۶	۰/۹۲			
۱۳۹۷	۰/۸۹			
۱۳۹۸	۰/۵۸			
۱۳۹۹	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۶۵
۱۴۰۰	۰/۴۰۵	۰/۱۹	۰/۶۲	
۱۴۰۱	۰/۳۰۷	۰/۰۹	۰/۵۲	
۱۴۰۲	۰/۱۶۱۱	-۰/۰۶	۰/۳۸	
۱۴۰۳	۰/۰۶۳۱	-۰/۱۷	۰/۲۹	
۱۴۰۴	-۰/۰۸۳	-۰/۳۲	۰/۱۵	
۱۴۰۵	-۰/۱۸۱	-۰/۴۲	۰/۰۶	
۱۴۰۶	-۰/۳۲۷	-۰/۵۷	-۰/۰۸	
۱۴۰۷	-۰/۴۲۵	-۰/۶۸	-۰/۱۷	

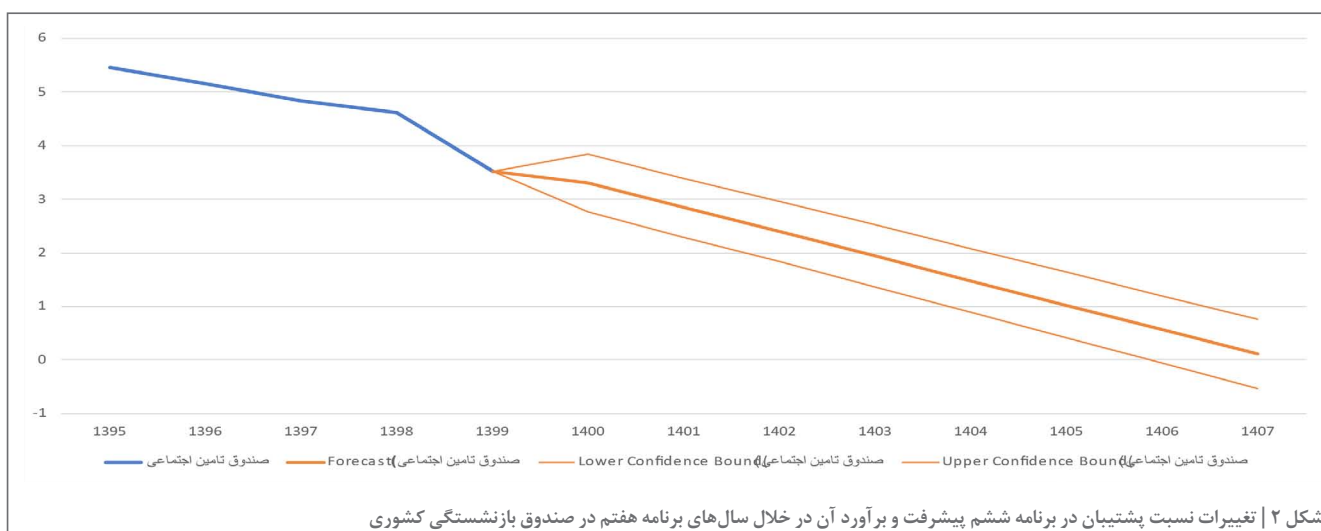
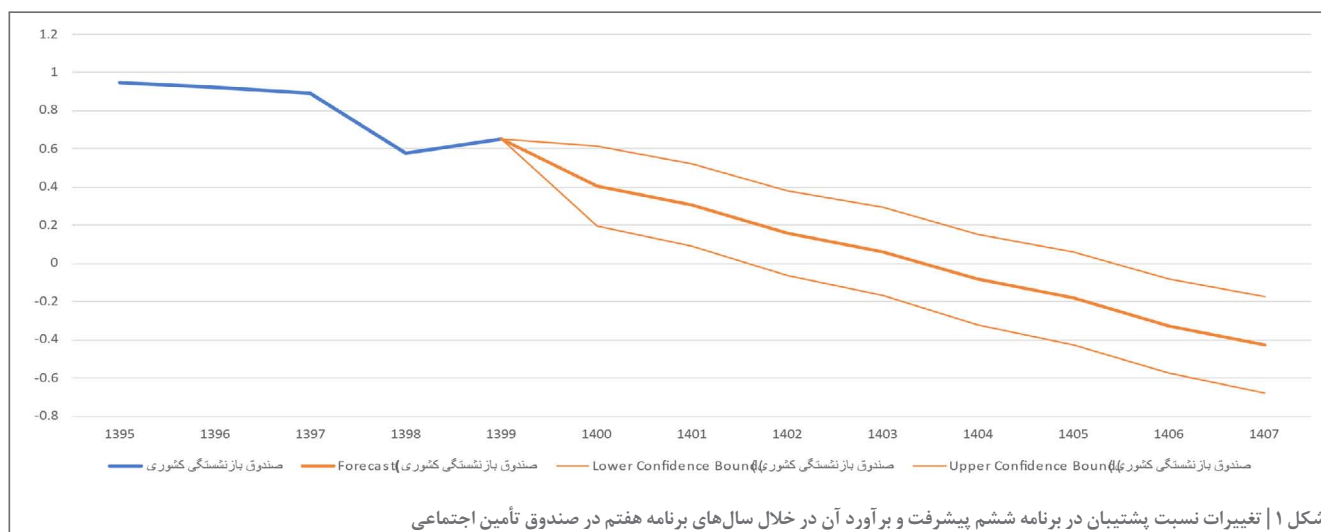
آنچه بیشتر به عنوان ضریب یا نسبت پشتیبان در ارزیابی توازن منابع و مصارف صندوق‌های بیمه و بازنشستگی ملاک عمل قرار دارد نسبت بیمه‌شدگان اصلی بر تعداد مستمری‌بگیران بر حسب پرونده است. بنابراین جامعه آماری شامل کلیه افراد مستمری‌بگیر و کلیه افراد بیمه پرداز تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی و سازمان‌های بیمه‌ای پایه در کشور خواهد بود.

همان‌طور که پیش از این بیان گردید این شاخص یکی از مهمترین شاخص‌های علمی است که می‌تواند در نشان دادن وضعیت صندوق‌های بازنشستگی به کار آید. به سخن دقیق‌تر یکی از راه‌های سنجش پایداری و کارآمدی در صندوق‌های بازنشستگی، نسبت پشتیبان است. کمترین حد داده‌های مربوط به این شاخص، محدودیت و چارچوب تعریف شده‌ای دارد که در مطالعات آن، ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. بر اساس تجربیات جهانی و اصول علمی آمار و محاسبات اکچوئری، اگر این نسبت در صندوق بازنشستگی کمتر از هفت به یک شود، آن صندوق دچار وضعیت ناپایداری و اگر به حدود سه به یک برسد ورشکسته محسوب می‌شود [۷]. با توجه به ساختار سنی و جنسی جمعیت تحت پوشش در صندوق تأمین اجتماعی "اگر شاخص پشتیبان به کمتر از ۶/۳۷ نفر تقلیل پیدا کند سازمان تأمین اجتماعی قادر نخواهد بود بر اساس منابع نقدی حاصل از دریافت حق بیمه به تعهدات قانونی خود عمل کند و اگر این شاخص از ۵/۳۵ نفر کمتر شود، پرداخت کلیه تعهدات به خصوص بدهی‌های دولت نیز کفاف مصارف سازمان را نخواهد داشت" [۸]. در مطالعه‌ی حاضر محدوده ذکر شده ملاک نظر قرار گرفته و روند تغییر این شاخص طی سال‌های اخیر نشان داده می‌شود.

همچنین در این برآورد از برنامه مایکروسافت اکسل ۲۰۲۲ استفاده شد. این نرم افزار قابلیت تحت عنوان پیش بینی دارد که در سربرگ data قابل دسترسی است. در محاسبات صورت گرفته و ترسیم نمودارها و جداول این پژوهش از این ابزار استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۱ روند تغییرات نسبت پشتیبان در سالهای برنامه ششم توسعه نشان داده شده است. بر اساس داده‌های این



این پژوهش نشان داد نشان داد که سرمایه گذاری مطلوب در بازارهای مالی کشور از اصلاحات ساختاری صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح آغاز خواهد شد و در این بدین حفظ پایداری مدالی صندوق مهمترین عامل اثرگذار بر الگو خواهد بود. اولویت عوامل اصلی موثر بر سرمایه گذاری صندوق به ترتیب عوامل مرتبط با ساختار صندوق، عوامل مرتبط با مدیریت صندوق، عوامل کلان، قوانین و مقررات و سرانجام، عوامل مرتبط با بازارهای مالی کشور بوده است [۹].

کیانی و کوششی در تحقیقی تحت عنوان «رشد تغییرات نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی با تأکید بر صندوق تأمین اجتماعی» بحران در صندوق‌های بازنشستگی به حدی حائز اهمیت است که هرگونه بی‌توجهی به آن می‌تواند چالش

مقایسه شاخص نسبت پشتیبان در دو صندوق بازنشستگی کشور گویای این مطلب است که متأسفانه روند نزولی این شاخص در سال‌های اجرای برنامه ششم و در خلال سال‌های برنامه هفتم توسعه کشور نیز ادامه خواهد داشت. این موضوع هر دو صندوق را با بحران‌های مالی فراوانی روبرو می‌سازد. در قیاس با صندوق تأمین اجتماعی، وضعیت این شاخص در صندوق بازنشستگی کشوری وخیم تر است ضمن آنکه آهنگ نزولی آن در صندوق تأمین اجتماعی شدیدتر می‌باشد.

دیندار و بانی در پژوهشی تحت عنوان «طراحی الگوی مطلوب سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح در بازارهای مالی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی وضعیت متال صندوق بازنشستگی نیروی مسلح پرداخته اند نتایج

یادداشت‌ها

در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شد: هر کس به عنوان عضوی از اجتماع حق برخورداری از تأمین اجتماعی را دارد و می‌تواند با استفاده از مساعی ملی و همکاری‌های بین‌المللی و در هماهنگی با تشکیلات و منابع کشور خود حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که لازمه حفظ کرامت و رشد آزاد شخصیت اوست به دست آورد. در ماده ۲۵ همین اعلامیه ذکر شده: هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تأمین بهداشت و رفاه خود و خانواده خود، از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی لازم و نیز از حق داشتن تأمین در صورت بیکاری، بیماری، معلولیت، بیوگی، سالخوردگی و در سایر موارد که به عللی خارج از اختیار خود وسایل امرار معاش را از دست داده باشد برخوردار گردد. مادران و کودکان حق دارند از مراقبت‌ها و کمک‌های ویژه برخوردار باشند. همه کودکان چه بر اثر پیوند زناشویی به دنیا آمده باشند و چه غیر آن، از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار خواهند بود [۱۴].

اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازنشستگی و تأمین اجتماعی را به عنوان حقی برای مردم و تکلیفی برای دولت مقرر داشته است طبق اصل مزبور برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای کشور تأمین کند [۱۵].

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده موید این مطلب است که نسبت پشتیبان طی سال‌های مورد مطالعه، روند کاهشی داشته و شتاب به سمت کمتر شدن همچنان ادامه دارد. علت کاهش شدید این شاخص، کاهش نسبت بیمه شده/مستمری بگیر است. تغییر در نسبت پشتیبان به دو عامل اساسی بستگی مستقیم دارد.

ملی در کشور ایجاد کند. نتایج بدست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی روند کاهشی داشته و ادامه این روند مخاطرات اساسی پیش روی اقتصاد ایران پدید می‌آورد [۱۰].

عباس خندان (۱۴۰۱) در پژوهش خود تحت عنوان «عوامل اقتصادی و سیاسی اثرگذار بر متناسب‌سازی مستمری‌های بازنشستگی در ایران» بیان می‌دارد: در پرداخت مستمری‌ها در عمل به شکل بدون اندوخته (PAYG) اداره شده به گونه‌ای که نسبت پشتیبانی جمعیتی و درآمدهای حق بیمه بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. همچنین مستمری‌ها با حداقل دستمزد رابطه مثبت و با تولید ناخالص داخلی رابطه منفی دارد که نشان می‌دهد این نوع از مخارج عملکرد ضد چرخه‌ای و تثبیت‌کننده خودکار دارند [۱۱].

در پژوهش شکرخواه و همکاران تحت عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی پایداری صندوق‌های بازنشستگی در ایران» به منظور رتبه‌بندی و تدوین شاخص ترکیبی، با استفاده از نظر خبرگان و به کارگیری روش سوارا، شاخص نهایی حاصل شد. ۲۷ شاخص در چهار بعد عدالت، کفایت، مالی و نوگرایی استخراج و مطابق با نتایج روش دلفی فازی، ۱۵ شاخص کلیدی به تأیید نهایی رسید. از این بین، نسبت پشتیبانی از نظر تأثیر رتبه اول، نرخ جایگزینی و ضریب نفوذ رتبه دوم و سوم را کسب کرد. نتایج حاصل از اجرای روش سوارا تأییدکننده شاخص ترکیبی متشکل از ابعاد عدالت (۱ زیر شاخص)، کفایت (۳ زیر شاخص) و بعد مالی (۱۱ زیر شاخص) است. در این شاخص، بعد عدالت، کفایت و مالی به ترتیب ۶، ۲۱ و ۷۳ درصد وزن شاخص ترکیبی را تشکیل می‌دهد. نسبت پشتیبانی رتبه اول، نسبت ارزش فعلی دارایی‌ها به تعهدات رتبه دوم و تحلیل اکچوئری رتبه سوم را کسب کرده است. با توجه به شاخص ترکیبی، بعد شاخص‌های مالی بیشترین اهمیت را داشته و با وجود مشکلاتی همچون عدم وجود منابع و نقدینگی برای پرداخت تعهدات جاری، توجه به ابعاد عدالت و کفایت و نوگرایی در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. با این وجود شاخص‌های ترکیبی باید همواره مورد بازنگری قرار گیرد [۱۲].

References

1. Shokri A. Economic evaluation of pension funds in Iran. Tehran: Higher Institute of Social Security Research; 2016. [Persian]
2. Blake D. Pension economics. John Wiley & Sons; 2006 Dec 4.
3. Roghanizadeh M. Challenges of the pension system in the Islamic Republic of Iran. Social Security Quarterly. 2007;29(2):32-51. [Persian]
4. Hadi-Zenouz B. Iran's pension funds over time with an emphasis on the social security organization and the national pension organization. Tehran: Publications of Naqd Plan and Saba Strategic Retirement Institute; 2016. [Persian]
5. Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare. Statistics of 2017, Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare; 2018. [Persian]
6. Social Security Organization. Principles and basics of social security. First edition. Tehran: Atiye Song Cultural and Artistic Institute; 2005. [Persian]
7. Bezrafkon F. Descriptive culture of welfare and social policy; 2018. [Persian]
8. Karimian Sichani Z, Chiragali MH, Dehghani A. Study and analysis of demographic variables affecting the support ratio in social security pension fund of Iran using system dynamics. Strategic Management Quarterly in Industrial Systems. 2018;8:45-56. [Persian]
9. Dindar Kalesar Y, Dashtbani Y. Designing the Optimal Investment Pattern of the Armed Forces Pension Fund in the Financial Markets of the Islamic Republic of Iran. National Defense Strategic Management Studies. 2014;6(22):73-102. [Persian]
10. Kiani R, Kosheshi M. The Trend of Changes in the Support Ratio in Iranian Pension Funds. Iran J Health Insur. 2022;5(1):68-77. [Persian]
11. Khandan A. Economic and Political Determinants of Pension Indexation in Iran. Journal of Economic Research. 2023;57(4):658-83.
12. Shekarkhah J, Salimi MJ, Ghazinoori SS, Hedayati Bilondi A. Identifying and Ranking Sustainability Evaluation Indicators for Iranian Pension Funds. Empirical Studies in Financial Accounting. 2024;21(81):53-95.
13. Mokhbar A. Preparation for the 11th century. Second edition. Tehran: New Design Publications; 2010. [Persian]
14. Mowahed MA. In the house, if someone is there, the Universal Declaration of Human Rights and its covenants. Third edition. Tehran: Karnameh publication; 2013. [Persian]
15. The Constitution of the Islamic Republic of Iran. First Edition, Isfahan: Goya Publications; 1995. [Persian]
16. Gurjipour I, Akhwan Behbahani A. Report: Investigating the current situation of small social insurance funds and providing a model for organizing them, Majlis Research Center. Tehran: Social Studies Office; 2019. [Persian]
17. Organization of Administrative and Employment Affairs. Familiarity with the organization of the government of the Islamic Republic of Iran. Second edition. Tehran: Institute of Scientific and Cultural Publications; 1985. [Persian]

اول تعداد بیمه‌شدگان اصلی و دوم تعداد مستمری بگیران. هر موضوع و مسئله‌ای که سبب کاهش یا افزایش در دو عامل ذکر شده شود، قطعاً بر میزان نسبت پشتیبان تأثیر خواهد گذارد. اساسی‌ترین عواملی که می‌تواند بر تعداد بیمه‌شدگان اثرگذار باشد عبارتند از: نرخ رشد اشتغال، بیکاری و متوسط مدت زمان اشتغال و بیمه‌پردازی. اساسی‌ترین عواملی که می‌تواند بر تعداد مستمری بگیران اثرگذار باشد عبارتند از: سن قانونی رسیدن به دوران بازنشستگی، وضعیت ایمنی کارگاه‌ها و تعداد افراد از کار افتاده، بازنشستگی پیش از مدت و سال‌های برخورداری بازمندگان از مزایای بیمه‌ای. با مشاهده روند رو به نزول شاخص نسبت پشتیبان طی سال‌های اخیر و در صورت ادامه این روند، پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی وضعیت این نسبت در صندوق تأمین اجتماعی به زیر چهار نفر برسد. ادامه روند کاهشی نسبت پشتیبان منجر به پیشی گرفتن مصارف بر منابع شده و نا پایداری مالی شدیدی را فراهم می‌سازد، به طرزیکه خالص ارزش دارایی‌ها و منابع درآمدی مورد انتظار، پایین‌تر از ارزش فعلی تعهدات طولانی مدت می‌شود. موضوعی که می‌تواند وضعیت مالی صندوق‌ها را به اصلی‌ترین چالش کشور مبدل سازد.

کارشناسان اقتصادی برای رهایی از چالش مالی در صندوق‌های بازنشستگی راه‌حل‌های متعددی پیشنهاد کرده‌اند که البته هر کدام از این راهکارها موافقان و مخالفان جدی دارد. برخی از مهمترین این راهکارها به‌طور عمده عبارتند از:

- * افزایش نرخ حق پرداختی بیمه
- * بازنگاری در قوانین مربوط به از کارافتادگی
- * توجه به نرخ سود سرمایه گذاری
- * عدم دخالت دولت‌ها در صندوق‌های بازنشستگی
- * افزایش کمک مالی در بودجه عمومی
- * پرداخت بدهی‌ها و تعهدات دولت به صندوق‌ها
- * ارتقاء مدیریت و تخصصی شدن مدیریت صندوق‌ها
- * کاهش هزینه‌های سازمانی و اداری.

تأییدیه اخلاقی: مطالعه حاضر مورد تأیید موسسه تحقیقات جمعیت کشور قرار گرفت.

تضاد منافع: نویسنده این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی را اعلام نداشت.

منابع مالی: هیچ‌گونه حمایت مالی از مطالعه حاضر صورت نپذیرفته است.